

نقش سیاست‌های مالیاتی بر کارایی دولت در شرایط آزادسازی اقتصادی مطالعه موردی: کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

کبری آملی دیوا *

احمد جعفری صمیمی **

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی تاثیر سیاست‌های مالیاتی بر کارایی دولت در شرایط آزادسازی اقتصادی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۸ است. بر اساس تعریف بنیاد هریتیج آزادی مالیاتی یک معیاس کیفی است بطوریکه پایین‌ترین سطح مالیات به عنوان بالاترین سطح آزادی مالیاتی تلقی می‌شود. در این مقاله سعی شده است تا بر پایه مطالعات نظری و تجربی انجام گرفته و در قالب یک الگوی اقتصاد سنجی، با استفاده از داده‌های ترکیبی مقطعی - سری زمانی (پانل دیتا)، تاثیر آزادسازی مالیاتی بر کارایی دولت در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی دوره (۱۹۹۵-۲۰۰۸) مورد بررسی قرار گیرد. به این منظور از اطلاعات شاخص آزادسازی اقتصادی بنیاد هریتیج و از شاخص کارایی دولت بانک جهانی استفاده شده است و از نرم‌افزار Estata جهت برآورد مدل مورد نظر استفاده گردیده است. نتایج حاصل از تخمین نشان می‌دهد رابطه منفی بین آزادسازی مالیاتی و کارایی دولت در این کشورها وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون معنی دار بودن در سطح ۵ درصد نیز آن را تأیید نموده است.

* کارشناس ارشد توسعه و برنامه ریزی اقتصادی، کارشناس ارشد اداره امور مالیاتی ساری

kobra_amoli @ yahoo .com

** استاد گروه اقتصاد دانشگاه مازندران Jafarisa @ yahoo .com

واژه‌های کلیدی: آزادسازی اقتصادی، آزادی مالیاتی، کارایی دولت، کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی
طبقه‌بندی **JEL**: H21 ; F42 ; F13

۱- مقدمه

آزاد سازی اقتصادی شامل مجموعه اقداماتی به منظور برداشتن کنترل‌های دولتی از بازارهای مالی، کالاها و خدمات، کار و بخش خارجی و واگذاری آن به مکانیسم بازار می‌باشد. عمده این اقدامات عبارتند از برداشتن کنترل از بازارهای مالی، رها سازی قیمت‌های تحت کنترل و واگذاری تعیین قیمت به نیروهای بازار، حذف یارانه و تعدیل قیمت‌های یارانه‌ای، گرایش به نظام ارزی شناور مستقل یا شناور نظارت شده، تغییر رسمی ارزش پول، آزاد شدن تجارت خارجی و برداشتن انواع تعرفه‌های تجاری و محدودیت‌های مقداری، استفاده از مشارکت سرمایه گذاران و استقراض خارجی و آزاد شدن نرخ سپرده‌های بانکی. بنابراین، با توجه به اینکه یکی از مهمترین شاخص‌های آزاد سازی اقتصادی شاخص آزاد سازی مالیاتی است می‌توان از طریق شکوفا نمودن بازار رقابتی، خصوصی کردن بنگاه‌های دولتی، تشویق صادرات و تجارت آزاد، استقبال از سرمایه گذاران و حذف مقررات زائد دولتی و انحرافات قیمتی در بازار محصول و عوامل تولید زمینه بالا رفتن کارایی و رشد اقتصادی را فراهم خواهد نمود.

با توجه به مطالب فوق، هدف اصلی مقاله حاضر بررسی نقش سیاست‌های مالیاتی بر کارایی دولت در شرایط آزاد سازی اقتصادی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی دوره (۱۹۹۵-۲۰۰۸) می‌باشد. برای این منظور در بخش اول روش تحقیق معرفی می‌شود و سپس شاخص‌های آزادسازی اقتصادی و آزادسازی مالیاتی و کارایی دولت و روش‌های اندازه گیری آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از ارائه مبانی نظری در بخش سوم خلاصه‌ای از مطالعات انجام شده در داخل و خارج کشور آورده می‌شود. در بخش چهارم با معرفی الگوی اقتصادسنجی تحقیق، متغیرها و داده‌های تحقیق معرفی شده و در ادامه به تصریح مدل پرداخته می‌شود و سپس ضمن برآورد الگوی اقتصادسنجی مورد نظر و انجام آزمون‌های مربوطه، خلاصه نتایج ارائه می‌شود.



۲- روش تحقیق و معرفی متغیرها

در این مقاله ۵۷ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی نمونه آماری را تشکیل می‌دهند و حدود زمانی این پژوهش بین سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۸ می‌باشد. به این منظور از اطلاعات شاخص آزادسازی اقتصادی بنیاد هریتیج و از شاخص کارایی دولت بانک جهانی استفاده شده است. در این مقاله سعی شده است تا بر پایه مطالعات نظری و تجربی انجام گرفته و در قالب یک الگوی اقتصاد سنجی، با استفاده از داده‌های ترکیبی مقطعی - سری زمانی (پانل دیتا)^۱، رابطه بین شاخص آزادی مالیاتی و کارایی دولت در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. در این مقاله فرضیه زیر مورد آزمون قرار می‌گیرد:

- بین شاخص آزادی مالیاتی و کارایی دولت در کشورهای مورد نظر رابطه منفی وجود دارد.

با استفاده از روش‌های اقتصاد سنجی و الگوی رگرسیونی بین کشوری و با کمک نرم‌افزار E stata این فرضیات مورد آزمون قرار می‌گیرند.

۲-۱- شاخص آزاد سازی اقتصادی

شاخص آزاد سازی اقتصادی از سال ۱۹۹۵ میلادی به صورت سالیانه به منظور بررسی عوامل موثر بر آزاد سازی اقتصادی برای اغلب کشورهای جهان محاسبه شد. از آنجایی که تعریف شفاف از آنچه که به آزادسازی اقتصادی تعبیر می‌شود و نیز چگونگی اندازه گیری آن وجود ندارد، این بحث دچار پیچیدگی‌های خاصی می‌شود. آزادسازی اقتصادی شامل مجموعه اقداماتی به منظور برداشتن کنترل‌های دولتی از بازارهای مالی، کالاها و خدمات و کار و بخش خارجی و واگذاری آن به مکانیسم بازار می‌باشد. عمده این اقدامات عبارتند از: برداشتن کنترل از بازارهای مالی، رهاسازی قیمت‌های تحت کنترل و واگذاری تعیین قیمت به نیروهای بازار، حذف یارانه و تعدیل قیمت‌های یارانه‌ای، گرایش به نظام ارزی شناور مستقل یا شناور نظارت شده، تغییر رسمی ارزش پول، آزاد شدن تجارت خارجی و برداشتن انواع تعرفه‌های تجاری و محدودیت‌های مقداری، استفاده



از مشارکت سرمایه گذاران و استقراض خارجی و آزاد شدن نرخ سپرده‌های بانکی.^۲ در این زمینه یکی از معروفترین شاخص‌های آزادسازی اقتصادی، شاخص بنیادهریتیج^۳ می‌باشد، که به صورت منظم هر ساله منتشر می‌گردد. در تحقیق حاضر نیز از این شاخص استفاده شده است. این شاخص دامنه وسیعی از متغیرهای مختلف اقتصادی و غیر اقتصادی را در بر می‌گیرد. عوامل دهگانه آزادسازی اقتصادی بنیادهریتیج عبارتند از: آزادی کسب و کار، آزادی تجارت، آزادی مالیاتی، اندازه دولت، آزادی پولی، آزادی سرمایه گذاری، آزادی مالی، حقوق مالکیت، آزادی نیروی کار، آزادی از فساد. در شاخص آزادسازی اقتصادی هر ده عامل فوق از اهمیت و وزن یکسانی بر سطح آزادسازی اقتصادی هر کشور برخوردار می‌باشند؛ به عبارت دیگر برای تعیین امتیاز یک کشور، هر ده عامل فوق ضریب اهمیت یکسانی دارند... بر اساس شاخص ارائه شده توسط بنیادهریتیج و به منظور اندازه گیری آزادسازی اقتصادی در هر کشور، گروهی از محققان و صاحب نظران در زمینه مسائل اقتصادی سازمان‌ها و موسسات در کشورهای مختلف جهان وضعیت ۵۰ متغیر مختلف اقتصادی را مورد مطالعه قرار داده که در نهایت این متغیرها به ۱۰ عامل که به عوامل مهم آزادسازی اقتصادی معروف می‌باشند، خلاصه می‌شوند. همچنین به هر یک از این عوامل امتیازی بین صفر (بدترین وضعیت از لحاظ آزادسازی) و صد (بهترین وضعیت از لحاظ آزادسازی) تعلق می‌گیرد که در نتیجه میانگین این عوامل نیز بین صفر و صد می‌شود. این روش محاسبه برای آزادسازی اقتصادی از سال ۲۰۰۶ به بعد صورت گرفته، و از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ از اطلاعات ارائه شده براساس امتیازیک تا پنج استفاده می‌شد. براین اساس کشورها از لحاظ شاخص آزادسازی اقتصادی به پنج دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- آزاد: کشورهایی با میانگین امتیاز ۸۰-۱۰۰
- ۲- تقریباً آزاد: کشورهایی با میانگین امتیاز ۷۰-۷۹/۹
- ۳- آزادی متعادل: کشورهایی با میانگین امتیاز ۶۰-۶۹/۹
- ۴- تاحدودی وابسته به دولت: کشورهایی با میانگین امتیاز ۵۰-۵۹/۹

۲- احمد جعفری صمیمی و کرم سینا، جهانی شدن، شاخص‌ها و جایگاه اقتصاد ایران، (تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۴)، ص ۲۶

۵- کاملاً وابسته به دولت : کشورهای با میانگین امتیاز ۰-۴۹/۹

۲-۲- شاخص آزادی مالیاتی

دولت می‌تواند با قراردادن بارهای مالیاتی بر فعالیت‌های اقتصادی برای خود ایجاد درآمد کند، در ابتدا از طریق مالیات و همچنین از طریق دیونی که در نهایت باید به وسیله مالیات پرداخت شود. آزادی مالیاتی یک مقیاس کیفی است از این بارها، که پایین‌ترین سطح مالیات به عنوان بالاترین سطح آزادی مالیاتی تلقی می‌شود.

عامل بار مالی (مالیاتی) دولت از چهار متغیر زیر تشکیل شده است که عبارتند از:

- نرخ نهایی مالیات برای شرکت‌ها
- نرخ نهایی مالیات برای درآمدهای بالا
- نرخ نهایی مالیات برای مالیات دهندگان متوسط
- درآمد کل مالیات به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی

محققان شاخص آزادسازی اقتصادی به منظور اندازه‌گیری بار مالی تحمیل شده دولت به شهروندان سه متغیر نرخ نهایی مالیات بر شرکت‌ها، نرخ نهایی مالیات بر درآمد و درآمد کل مالیات به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهند. نرخ نهایی مالیاتی که افراد با آن مواجه می‌باشند، تحت تاثیر قیمتی است که آن‌ها بابت فعالیت‌های اقتصادی خود می‌پردازند. آنچه که بعد از پرداخت این مالیات برای آن‌ها باقی می‌ماند، پاداش فعالیت‌های آن‌ها می‌باشد. هر چه قیمت فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد (نرخ مالیات بالا باشد)، پاداش یا سود فعالیت آن‌ها کمتر خواهد بود و بر عکس هر چه قیمت پرداختی بابت فعالیت‌های بازرگانی و اقتصادی کمتر باشد، پاداش آن‌ها بیشتر خواهد بود. بنابراین هر چه نرخ مالیات بیشتر باشد، درجه آزادسازی اقتصادی کمتر می‌شود. هر چند نرخ درآمد مالیات افراد و شرکت‌ها برای آزادی اقتصادی بسیار مهم هستند اما آن‌ها مقیاس کامل و جامعی از بار مالیاتی نیستند زیرا آن‌ها شامل تعداد زیادی از مالیات‌ها همچون صورت حقوق بگیران، فروش‌ها و مالیات بر مشروبات الکلی، تعرفه و مالیات بر ارزش افزوده نیستند.

یک روش برای گرفتن همه مالیات‌ها، اندازه‌گیری تمام درآمد دولت از تمامی اشکال

مالیات به عنوان درصدی از کل GDP است.

بانک جهانی، بانک توسعه آسیا، آفریقا و اروپا، صندوق بین‌المللی پول و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه جامع‌ترین اطلاعات مربوط به بار مالیاتی دولت را ارائه می‌نماید. هر یک از سه متغیر کمی نام برده در بالا در محاسبه شاخص آزادی مالیاتی دارای وزن یکسانی برابر یک سوم از کل فاکتور است.

آزادی مالیاتی طبق معادله درجه دوم ذیل محاسبه می‌شود:

$$FF_{ij} = 100 - \alpha (\text{Component}_{ij})^2$$

FF_{ij} آزادی مالیاتی را در کشور i برای بخش j ام و Component_{ij} امتیاز آن جزء در کشور i برای بخش j ام را بیان می‌کند. α ضریبی است برابر با عدد 0.03 است. کمترین امتیاز برای هر بخش صفر است که در معادله نوشته شده بیان نشده است اما مورد استفاده قرار گرفته است و به این معنی است که هیچ بار مالیاتی بر روی دو بخش دیگر نخواهد بود.

۲-۳- شاخص کارایی دولت

در ربع آخر قرن گذشته با انتقادهایی که از ناکارآمدی پدیده دولت بزرگ صورت گرفت و پس از بررسی‌های مفصل درباره ساز و کارهایی که در کشورهای جهان سوم اعمال می‌شد، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول (IMF) در سال‌های آخر دهه ۱۹۹۰ شاخص‌های دولتی را تدوین و ارائه کردند که یکی از آنها کارایی دولت است. بانک جهانی در گزارش شاخص‌های عملکرد دولت؛^۴ کارایی دولت را، اندازه‌گیری دقیق کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات شهری، درجه استقلال از فشارهای سیاسی، کیفیت

تنظیم و اجرای سیاست و اعتبار تعهدات دولت برای آن سیاست‌ها بیان کرده است. در سالهای اخیر بانک جهانی شش شاخص مهم مربوط به چگونگی مداخله دولت و ارتباط آن با مردم و همچنین چگونگی ایفای نقش دولت و عملکرد آن منتشر نموده است.

4- Kaufmann Daniel, Aart Kraay, Massimo Mastruzzi, "The Worldwide Governance Indicators Project: Answering the Critics," Washington, D.C., World Bank Policy Research Working Paper No. 4149 (2007a):pp.43-56

این شاخص‌ها عبارتند از:

۱- توجه به دیدگاه و نقطه نظرات مردم توسط دولت ۲- ثبات سیاسی ۳- کارایی دولت: صلاحیت دستگاه اداری و کیفیت خدمات عمومی ارائه شده به مردم را اندازه گیری می‌کند. ۴- کیفیت قانون گذاری ۵- نقش قانون ۶- کنترل فساد. براساس طبقه بندی بانک جهانی کشورها از لحاظ عملکرد شاخص‌های فوق به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱- عالی: کشورهای با میانگین امتیاز ۸۰ تا ۱۰۰

۲- خوب: کشورهای با میانگین امتیاز ۷۰ تا ۷۹/۹

۳- تا حدودی خوب: کشورهای با میانگین امتیاز ۶۰ تا ۶۹/۹

۴- ضعیف: کشورهای با میانگین امتیاز ۵۰ تا ۵۹/۹

۵- بسیار ضعیف: کشورهای با میانگین امتیاز ۴۰ تا ۴۹/۹

دامنه شاخص‌های فوق بین ۱ تا ۱۰۰ می‌باشد که هرچه شاخص‌های فوق به عدد ۱۰۰ نزدیکتر باشند، نشان دهنده عملکرد مطلوب کشور در زمینه آن شاخص می‌باشد و هرچه به امتیاز نزدیکتر باشد، نشان دهنده سطح پایین ترکاری دولت در آن کشور می‌باشد.

۳- مبانی نظری

در دهه ۱۹۷۰ تفکرات جدیدی در اقتصاد کشورهای پیشرفته (به ویژه امریکا) شکل گرفت. برخلاف اقتصاددانان پیرو نظریه کینز طرفداران مکتب پولی معتقدند اقتصاد کشورهای پیشرفته غربی در یک سطح معین بیکاری ذاتا با ثبات خواهند بود مگر اینکه افزایش ناگهانی حجم پول باعث ایجاد نوسانات و در نتیجه از بین رفتن ثبات اقتصادی شود. مکتب پولی با وجود اعتقاد به تاثیر سیاست تقاضای کل در تغییر سطح بیکاری در کوتاه مدت نظریه کینز را که بیان می‌کرد-مقامات اقتصادی می‌توانند از طریق سیاست‌های اقتصادی در سطح کلان متکی بر مدیریت تقاضا کاهشی در نرخ بیکاری به وجود آورند- رد می‌کنند.

در دهه ۱۹۷۰ توجه بیشتری به عرضه (به جای تقاضا) جلب شد و مکتب اقتصاد طرفدار عرضه به شهرت رسید. بر اساس نظریه کینز تورم به علت مازاد تقاضای کل به



اقتصادی بهترین نظام مالیاتی نظامی است که دارای مطلوبترین آثار اقتصادی باشد، یا اینکه آثار نامساعد اقتصادی را به حداقل برساند. برخی از مالیات‌ها در وضعیت اقتصادی معین باعث تغییر و انحراف حد مطلوب اقتصادی نمی‌شوند. اینگونه مالیات‌ها مالیات‌هایی هستند که کارایی را حفظ می‌کنند. بعضی مالیات‌ها ممکن است باعث تغییر در رفتارهای اقتصادی شوند به طوری که به نفع یک متغیر و به زیان متغیر دیگر تبعیض قایل شوند و در نتیجه این انحراف در رفتار اقتصادی باعث می‌شوند وضعیت کارایی اقتصادی به هم بخورد و زبانی نصیب جامعه شود. در مورد مالیات‌ها و کارایی اقتصادی باید به دو نکته توجه کرد. اول اینکه هر مالیاتی یک اثر یا یک بار عادی خواهد داشت، زیرا پس از وضع مالیات بخشی از منافع بخش خصوصی به بخش عمومی سرازیر می‌شود. اگر مالیاتی فقط دارای اثر یا بار عادی بود گفته می‌شود این مالیات نه تنها وضعیت کارایی اقتصادی را به هم نخواهد زد، بلکه موجب حفظ آن نیز می‌شود. دوم اینکه بررسی مفهوم کارایی مالیات‌ها بستگی به انتخاب متغیرهایی دارد که فرض می‌کنیم می‌توانند در نتیجه وضع مالیات تغییر کنند. مالیات سرانه مالیاتی است که در تمامی حالات کارایی اقتصادی را حفظ می‌کند. پس می‌توان نتیجه گرفت اگر مالیاتی بخواد بار اضافی نداشته باشد لازم است تا جایی که امکان دارد باعث ایجاد تغییر در رفتار واحدهای اقتصادی نشود. برای به حداقل رساندن بار اضافی یا زیان ناشی از عدم رعایت کارایی اقتصادی، دو قاعده کلی وجود دارد:^{۱۰}

۱- فقط متغیرها و عواملی باید مشمول مالیات واقع شوند که در نتیجه وضع مالیات تعدیل‌های بسیار کوچک و ناچیزی در رفتار اقتصادی افراد ایجاد کنند.

۲- مالیات‌ها به طوری وضع شوند که نرخ نهایی آنها در مقایسه با نرخ متوسط پایین باشد. به عبارت دیگر، با توجه به اینکه تغییر رفتار اقتصادی افراد، تدریجی است و در حالت نهایی تحت تاثیر قرار می‌گیرد، بنابراین چنانچه مالیاتی دارای نرخ نهایی پایین تری باشد تغییرات کمتری در رفتار اقتصادی افراد ایجاد می‌کند. برای مثال اگر می‌خواهیم مالیاتی وضع بکنیم باید دارای چنین ویژگی‌هایی باشد. به طور کلی برای مشخص شدن یک مالیات به دو ویژگی نیاز است که عبارتند از ۱- مبنای مالیات ۲- نرخ مالیات. منظور از مبنای مالیات عامل، متغیر و یا هر چیزی است که مالیات بر آن وضع می‌شود مبنای

۱۰- جعفری صمیمی، احمد (۱۳۸۰)، اقتصاد بخش عمومی (۱)، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم



مالیات اطلاعات مربوط به نوع مالیات را در اختیار قرار می‌دهد اما براساس آن به هیچ وجه نمی‌توان چگونگی ارتباط مالیات با مبنا را مشخص کرد، بنابراین برای مشخص کردن دقیق یک مالیات، نرخ مالیات لازم است. این نرخ چگونگی تغییرات مالیات با مبنا خود را نشان می‌دهد. در این مقاله از شاخص آزادی مالیاتی بنیاد هریتیج استفاده شده که با توجه مبانی نظری ذکر شده، تلاش شده است با استفاده از یک شاخص ترکیبی به یک شاخص با ویژگی‌های فوق‌الذکر دست یابد. آزادی مالیاتی یک مقیاس کیفی است از این بارها، که پایین‌ترین سطح مالیات به عنوان بالاترین سطح آزادی مالیاتی تلقی می‌شود. محققان شاخص آزادسازی اقتصادی به منظور اندازه‌گیری بار مالی تحمیل شده دولت به شهروندان سه متغیر نرخ نهایی مالیات بر شرکت‌ها، نرخ نهایی مالیات بر درآمد و درآمد کل مالیات به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهند. نرخ نهایی مالیاتی که افراد با آن مواجه می‌باشند، تحت تاثیر قیمتی است که آن‌ها بابت فعالیت‌های اقتصادی خود می‌پردازند. آنچه که بعد از پرداخت این مالیات برای آن‌ها باقی می‌ماند، پاداش فعالیت‌های آن‌ها می‌باشد. هر چه قیمت فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد (نرخ مالیات بالا باشد)، پاداش یا سود فعالیت آن‌ها کمتر خواهد بود و برعکس هر چه قیمت پرداختی بابت فعالیت‌های بازرگانی و اقتصادی کمتر باشد، پاداش آن‌ها بیشتر خواهد بود. بنابراین هر چه نرخ مالیات بیشتر باشد، درجه آزادسازی اقتصادی کمتر می‌شود.

هرچند نرخ درآمد مالیات افراد و شرکت‌ها برای آزادی اقتصادی بسیار مهم هستند اما آن‌ها مقیاس کامل و جامعی از بار مالیاتی نیستند زیرا آن‌ها شامل تعداد زیادی از مالیات‌ها همچون صورت حقوق بگیران، فروش‌ها و مالیات بر مشروبات الکلی، تعرفه و مالیات بر ارزش افزوده نیستند.

یک روش برای گرفتن همه مالیات‌ها، اندازه‌گیری تمام درآمد دولت از تمامی اشکال مالیات به عنوان درصدی از کل GDP است.

بانک جهانی، بانک توسعه آسیا، آفریقا و اروپا، صندوق بین‌المللی پول و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه جامع‌ترین اطلاعات مربوط به بار مالیاتی دولت را ارائه می‌نماید.

هریک از سه متغیر کمی نام برده در بالا در محاسبه شاخص آزادی مالیاتی دارای

وزن یکسانی برابر یک سوم از کل فاکتور است.

۴- مروری بر کارهای انجام شده

تحقیقات فراوانی در زمینه رابطه بین شاخص آزادسازی اقتصادی و رشد اقتصادی، فساد، تجارت، فرهنگ، امنیت اقتصادی، ... صورت گرفته است. اما در زمینه بررسی ارتباط بین آزادسازی اقتصادی و کارایی دولت تحقیقات اندکی انجام پذیرفته است. در این بخش به مرور و بررسی چند نمونه از تحقیقاتی که در زمینه این موضوع انجام شده است می‌پردازیم:

جعفری صمیمی و آذرمنند (۱۳۸۳) رابطه بین آزادسازی اقتصادی و شاخص‌های عمده اقتصاد کلان را طی سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۳ مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل‌های آماری و تخمین الگوهای اقتصادسنجی، وجود یک رابطه مثبت و معنی‌دار بین آزادسازی اقتصادی و عملکرد اقتصادی در کشورهای مورد نظر را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر افزایش سطح آزادسازی اقتصادی منجر به افزایش سطح تولید کل، رشد اقتصادی و نرخ سرمایه‌گذاری و کاهش نرخ بیکاری و نرخ تورم می‌شود. همچنین نتایجی که از تجزیه شاخص به دست آمده است، گویای این امر است که عوامل بازار سیاه، بارمالیاتی دولت، سیاست‌های پولی، حقوق مالکیت، قوانین و مقررات و دخالت دولت در اقتصاد رابطه معنی‌دار با رشد اقتصادی دارند که این نتایج مفیدتر از نتایجی است که بر شاخص‌های مرکب تأکید می‌نماید.

پژویان (۱۳۷۱) در مقاله خود با عنوان خصوصی سازی و کارایی دولت، نوع خصوصی سازی اقتصاد را به ۲ قسمت هزینه‌ها و درآمدهای دولت تقسیم بندی شده است. سمت هزینه‌ها، عمدتاً فعالیت‌های تولیدی دولت، همراه با عدم کارایی ناشی از مدیریت دولتی است؛ که در نتیجه آن هزینه‌های بنگاه دولتی در سطح بالاتر از هزینه‌های بخش خصوصی قرار می‌گیرد. این مهم حتی دخالت دولت در امور تولیدی کالایی که به علل عدم کارایی بازار می‌توانند در چارچوب فعالیت‌های دولت قرار گیرند را مورد سوال قرار می‌دهد. در این مقاله با استفاده از توابع لاگرانژ توابع مطلوبیت مدیر دولتی و خصوصی و محدودیت‌های آنها مطرح شده و سپس توابع تقاضا برای هر یک از دو مدیر



استخراج شده‌اند. براساس بررسی انجام شده در این تحقیق هر چقدر اندازه دولت بزرگتر شود نیاز به جمع آوری درآمد مالیاتی بیشتر می‌شود. برای افزایش درآمدهای مالیاتی یا باید نرخ‌های مالیاتی را افزایش داد؛ و یا در جستجوی منابع جدید مالیاتی بود. از آن جا که به صورت معمول دولت ابتدا از منابع مالیاتی مناسبتر از نظر هدف تخصیص شروع می‌کند، در نتیجه افزایش نرخ‌های مالیاتی و برقراری مالیات‌های جدید با عدم کارایی بیشتر در اقتصاد همراه خواهد بود.

اکبریان مهر (۱۳۸۶) در تحقیق خود به بررسی ارتباط بین شاخص‌های ثبات سیاسی و کارایی دولت با شاخص رشد اقتصادی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پرداخته است. در این تحقیق از داده‌های مقطعی در دوره (۱۹۹۶-۲۰۰۶) و از جدیدترین اطلاعات منتشر شده استفاده شده است. نتایج تحقیق حاصل بیانگر این موضوع است که وضعیت ثبات سیاسی منطقه طی سال‌های مورد مطالعه بدتر و ضعیف تر شده است و همچنین، سطح کارایی دولت در کل منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا کاهش یافته است. ضرایب همبستگی بین شاخص‌های ثبات سیاسی و کارایی دولت با رشد اقتصادی مثبت بوده که این علامت بیانگر وجود ارتباط مثبت بین این دو شاخص عملکرد دولت با رشد اقتصادی است. همچنین ضریب همبستگی بین ثبات سیاسی و رشد اقتصادی بیشتر از ضریب همبستگی بین کارایی دولت و رشد می‌باشد. پارک (۲۰۰۵)^{۱۱} در مقاله خود رابطه بین آزادسازی اقتصادی و نقش دولت‌ها را مورد بررسی قرار داده است؛ و به طور خاص توضیح می‌دهد که زیان قدرت دولت در مقابل آزادسازی، کاهش توانایی جمع آوری مالیات به خاطر حرکت بیشتر سرمایه و نیروی کار در سطح جهانی است. این مقاله بیان می‌کند که، جهانی شدن بطور ذاتی مضر نیست؛ بلکه سیاست‌های نامناسب دولت در جهت جهانی شدن است که اغلب، جهانی شدن را به سوی نیروهای مخرب سوق می‌دهد. کلید اصلی این نقش در مورد کاهش ریسک‌ها و تعدیل قیمت‌ها به منظور تخصیص بهینه منابع بین بخش‌ها در دست دولت است. به عبارت دیگر تأثیر آزادسازی بر افراد و بنگاه‌ها، بستگی به این دارد که چقدر دولت‌ها به آزادسازی واکنش نشان می‌دهند. نتایج این تحقیق

11- Donghyun Park, "The Roles of Government in increase of Borderless of the world, "Nan yang Technological University, (2005)



بیان می‌کند که، آزادسازی اقتصادی و کاهش موانع حرکت کالاها، خدمات، سرمایه و نیروی کار بین کشورها به عنوان مثال جریان سرمایه از کشورهایی با سرمایه فراوان به کشورهای فقیر بنگاه‌ها را قادر می‌سازد با نرخ بالاتری سرمایه‌هایشان به شرکت‌ها و بنگاه‌ها باز گردد.

روندی نیلی (۲۰۰۴)^{۱۲} در مقاله‌ای با عنوان توسعه رقابت جهانی در یک اقتصاد جهانی: تغییر نقش دولت‌ها، به نقش دولت به عنوان برنامه ریز و کنترل کننده اصلی اقتصاد جهانی در تهیه کالاها و خدمات، و بازار به عنوان موتور رشد اقتصادی، توجه شده است و از آن به عنوان کارکرد اصلی دولت‌ها برای گسترش رقابت ملی در اقتصاد جهانی یاد کرده است.

براساس نتایج این مقاله دولت‌ها در پی دخالت و دستیابی به سود از اقتصاد جهانی باید ۷ ویژگی را برای سیستم بازار ایجاد کند که شامل: ۱) محرک اقتصادی برای بازار ۲) حمایت از مالکیت خصوصی ۳) سرمایه گذاری آزاد در بازار ۴) بازار مبتنی بر تصمیم بازار ۵) ایجاد فرصت برابر ۶) ایجاد رقابت سالم در بازار ۷) نقش راهنمایی کننده اجتماعی برای افزایش شغل و در پی آن افزایش درآمد و افزایش رفاه برای مردم.

اوستوکر (۲۰۰۶)^{۱۳} در این مقاله رابطه بین آزادسازی اقتصادی و بازگشت سرمایه (حقوق صاحبان شرکت‌ها) را در بین کشورهای جهان طی سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۰۲ بررسی کرده است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که بازگشت سرمایه بین کشوری مستقیماً با افزایش آزادی اقتصادی در ارتباط است. در این مقاله از شاخص آزادسازی اقتصادی (EF) استفاده شده است. مهمترین نتایج، رابطه مثبت و مستقیم بین درصد افزایش آزادسازی اقتصادی و نرخ بازگشت سرمایه وجود داشته است (ضریب = ۰,۳۹۴)، رابطه معکوس بین سطح شروع آزادسازی اقتصادی و بازگشت سرمایه است (ضریب = -۰,۱۶۳). از طرف دیگر نتایج تخمین نشان می‌دهد که، رابطه منفی بین سطح آغازین

12- Dennis A. Rondinelli, "Global Competition Development In the Global Economic" United Nation committee of experts on public Administration, Fourth session, New York, 4- 8 April (2004)

13- Marshall.L.Ostoker, " Equity Returns and Economic freedom", Cato institute, Cato journal 25, (2006): pp. 583-594.



آزادسازی اقتصادی و درصد افزایش در آزادسازی اقتصادی وجود دارد (ضریب = ۰,۲۷۷۷-) و نتیجه پایانی اینکه بین سطح آغازین آزادسازی اقتصادی و سطح پایانی آن رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد (۰,۸۸۶-).

۵- تخمین و تجزیه و تحلیل نتایج

۵-۱- معرفی مدل

در استفاده از داده‌های ترکیبی (پنل)، از مدل‌ها و آزمون‌های خاص این روش استفاده می‌شود. شکل کلی مدل‌های داده‌های ترکیبی به صورت زیر می‌باشد:

$$Y_{it} = B_1 + \sum B_j X_{jit} + \sum \alpha_p Z_{pit} + \delta_t + e_{it}$$

در رابطه فوق Y نشان دهنده i متغیر وابسته، X متغیر توضیحی مشاهده شده و Z نشان دهنده i متغیرهای توضیحی غیرقابل مشاهده اثر گذار بر متغیر وابسته برای هر مقطع است که برای توضیح بهتر، این دسته از متغیرها از مقادیر اجزا خطا جدا شده است. i نشان دهنده مقطع‌ها یا واحدهای مشاهده شده، t نشان دهنده i دوره زمانی، z و p نشان دهنده تفاوت بین متغیرهای مشاهده نشده و مشاهده شده در مدل است. نماد e_{it} نشانگر خطای برآورد داده‌های ترکیبی است.

بر این اساس مدل کلی و اولیه تحقیق به صورت الگوی خطی زیرارائه شده است:

$$GE = \beta_0 + \beta_1 BFit + \beta_2 TFit + \beta_3 FSt + \beta_4 FFit + \beta_5 FIt + \beta_6 MFit + \beta_7 GSit + \beta_8 PRit + \beta_9 LFit + \beta_{10} FCit + e_{it}$$

(۱) که در آن:

GE = شاخص کارایی دولت^۴، $BFit$ = شاخص آزادی کسب و کار کشور i در سال t ، $MFit$ = شاخص آزادی پولی کشور i در سال t ، $GSit$ = اندازه دولت کشور i در سال t ، $TFit$ = شاخص آزادی تجارت کشور i در سال t ، FSt = شاخص آزادی مالیاتی کشور i در سال t ، $FFit$ = آزادی مالی کشور i در سال t ، FIt = آزادی سرمایه گذاری کشور i در سال t ، $PRit$ = حقوق مالکیت کشور i در سال t ، $LFit$ = آزادی نیروی کار کشور i در سال t ، $FCit$ = آزادی از فساد کشور i در سال t ، e_{it} = جمله اختلال.

با توجه به مباحث ارائه شده در مطالعات نظری و درجه اهمیت متغیرها، جدول شماره (۱) طراحی شد^{۱۵} که در آن؛ تعداد کشورها به تفکیک شاخص‌های آزادسازی اقتصادی دسته بندی شده‌اند. براین اساس، شاخص‌های اندازه دولت، آزادی مالیاتی، آزادی کسب و کار از اهمیت بیشتری در محاسبه شاخص کلی آزادسازی اقتصادی برخوردار بوده‌اند، بنابراین متغیرهای ذکر شده به عنوان متغیرهای هسته انتخاب و سایر متغیرها از مدل کلی اولیه حذف گردید.

جدول ۱: توزیع تعداد کشورهای منطقه براساس میانگین شاخص آزادسازی

میانگین امتیاز شاخص	میانگین ۴۹/۹-۰	میانگین ۵۹/۹-۵۰	میانگین ۶۹/۹-۶۰	میانگین ۷۹/۹-۷۰	میانگین ۸۰-۱۰۰
آزادی کسب و کار	۱۰	۲۲	۱۱	۶	۱
آزادی تجارت	۱۴	۱۶	۱۱	۹	-
آزادی مالیاتی	۴	۵	۱۰	۱۷	۱۴
اندازه دولت	۲	۵	۱۵	۸	۲۰
آزادی پولی	۸	۲	۸	۲۲	۱۰
آزادی سرمایه گذاری	۳۲	۱۳	۵	-	-
آزادی مالی	۳۸	۸	۲	۲	-
حقوق مالکیت	۳۷	۳	۴	۲	-
آزادی از فساد	۴۳	۲	۳	۲	-
آزادی نیروی کار	۱۶	۹	۹	۱۰	۵

منبع: محاسبات محقق براساس اطلاعات بنیاد هریتیج

بنابراین مدل اصلی مورد استفاده در این تحقیق عبارت است از:

$$GE = \alpha_0 + \alpha_1 BF_{it} + \alpha_2 FS_{it} + \alpha_3 GS_{it} + \alpha_4 MF_{it} \quad (2)$$

۱۵- برای اطلاع از شاخص کلی آزادسازی اقتصادی و نحوه محاسبه هر یک از شاخص‌های آن رجوع شود به:



لازم به توضیح است که با توجه به ارتباطی که ماهیتاً بین اجزای تشکیل دهنده آزادسازی اقتصادی وجود دارد بین این عناصر ضریب همبستگی بالایی مشاهده می‌شود. برای اجتناب از بروز مشکل همخطی بین متغیرهای توضیحی این متغیرها به صورت جداگانه وارد الگو شده‌اند. و برای رفع مشکل همخطی آزمون‌های لازم بین متغیرهای توضیحی صورت گرفت.

۵-۲- آزمون قابلیت تخمین مدل بصورت داده‌های تلفیقی

قبل از برآورد مدل‌ها از روش تخمین داده‌های تلفیقی یا پانل باید اطمینان حاصل نمود که امکان تخمین به صورت جمعی وجود ندارد. به عبارت دیگر آیا کشورهای مورد بررسی همگن می‌باشند یا خیر. در صورتیکه کشورها همگن باشند ضرورت استفاده از روش پانل ایجاب می‌گردد. در این آزمون تفاوت ضرایب برآورد شده برای تک تک کشورها با ضرایب برآورد شده حاصل از داده‌های جمعی از طریق آماره زیر بررسی می‌شود. فرضیه صفر این آزمون آن است که تفاوتی میان ضرایب برآورد شده برای تک تک مقاطع و ضرایب برآورد شده رگرسیون جمعی وجود ندارد، بدین معنی است که لزومی به تخمین مدل با استفاده از داده‌های تلفیقی وجود ندارد. به عبارت دیگر از لحاظ آزمون آماری خواهیم داشت:

$$Y_i = Z_i\delta + U_i \quad (۳) \text{ مدل مقید}$$

$$Y_i = Z_i\delta_i + U_i \quad (۴) \text{ مدل غیر مقید } i = 1, 2, 3, \dots$$

فرضیه صفر پانل بودن را مورد بررسی قرار می‌دهد. آماره آزمون فوق، آماره F با درجه آزادی $NT - (N+K)$ و $(N-1)$ می‌باشد. با توجه به اینکه در مطالعه حاضر تعداد مقاطع (کشورها) برابر ۵۰؛ تعداد مشاهدات (سال‌ها) برابر ۱۴ و پارامترها ۴ می‌باشد؛ آماره آزمون F برای معادلات (۳) و (۴) عبارت خواهد بود از:

جدول ۲: نتایج آزمون قابلیت تخمین مدل به صورت داده‌های تلفیقی

مقدار	آماره F	ردیف
۳۹,۸۱	مقدار آماره F	۱
۵,۱۴	مقدار بحرانی آماره F در سطح ۹۵٪	۲

ملاحظه می‌شود که آماره F برآورد شده بیشتر از مقادیر بحرانی متناظر با سطح اطمینان ۹۵ درصد است و لذا فرضیه صفر مبنی بر قابلیت تخمین داده‌ها به شیوه جمعی پذیرفته نمی‌شود و لازم است مدل به روش داده‌های تلفیقی یا پانل برآورده گردد.

۳-۵- آزمون تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی

پس از اینکه اطمینان حاصل نمودیم، مدل مورد بررسی باید بصورت پانل برآورد گردد، مهمترین سئوالی که مطرح می‌شود این است که اثرات مقطعی بصورت ثابت (وجود اثرات ثابت) هستند یا تصادفی (وجود اثرات تصادفی)؟ بطور کلی برای تخمین مدل‌های داده‌های پانل، دو روش وجود دارد که عبارتند از روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی. تعیین آنکه در مورد یک نمونه از داده‌ها کدامیک از این دو روش باید مورد استفاده قرار گیرد از طریق آزمون‌های خاص خود انجام می‌گیرد.

یکی از رایج‌ترین این آزمون‌ها آزمون هاسمن^{۱۶} می‌باشد. فرضیه صفر آزمون هاسمن آن است که مدل دارای اثرات تصادفی است. آماره این آزمون نیز آماره χ^2 یا کی دو می‌باشد.

با توجه به نتایج آزمون تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی، فرضیه صفر مبنی بر وجود اثرات تصادفی رد می‌شود. بنابراین لازم است که مدل بصورت اثرات ثابت برآورد شود.

۴-۵- برآورد الگو

با توجه به مباحث ارائه شده در بخش‌های قبل و نتایج جدول الگوی زیر به عنوان الگوی کلی مدل استفاده شده است.

$$GE = \alpha_0 + \alpha_1 BFit + \alpha_2 FSit + \alpha_3 GSit + \alpha_4 MFit \quad (5)$$

با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون‌های مربوطه نتایج حاصل از تخمین معادله بالا

به صورت زیر می‌باشد:

$$GE = 19.79 + 0.013 BFit - 0.018 FSit + 0.075 GSit + 0.055 MFit \quad (6)$$

$R^2 = 0.26$ (2.88) (0.42) (1.99) (1.76)

که اعداد داخل پرانتز نشان دهنده آماره t می‌باشد. که با توجه به نتایج تخمین کلیه پارامترها دارای علامت مورد انتظار هستند و علامت آنها منطبق با انتظار تئوریک می‌باشد متغیرهای اندازه دولت، آزادی پولی و آزادی کسب و کار دارای رابطه مثبت با کارایی دولت بوده‌اند. از سوی دیگر متغیرهای آزادی کسب و کار برآورد شده در سطح یک درصد معنی دار می‌باشند و متغیرهای آزادی سرمایه گذاری و اندازه دولت نیز معنی دار می‌باشند. بر اساس یافته‌های مدل بر آورد شده بین شاخص آزادی مالیاتی و کارایی دولت رابطه منفی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی وجود دارد. لذا انتظار می‌رود با افزایش شاخص آزادی مالیاتی، کارایی دولت در این کشورها کاهش یابد. بر این اساس فرضیه اصلی این تحقیق که بر اساس آن بین شاخص آزادسازی مالیاتی و کارایی دولت در شرایط آزادسازی اقتصادی یک رابطه مستقیم و معنی دار وجود دارد، مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه بین شاخص آزاد سازی اقتصادی و کارایی دولت در ۵۳ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۸ مبتنی بر روش داده‌های پانل بوده که یکی از مهمترین جنبه‌های نوآوری این مطالعه در ادبیات آزادسازی اقتصادی و رابطه آزادسازی مالیاتی با کارایی دولت محسوب می‌گردد. با توجه به بررسی مطالعات انجام یافته این تحقیق برای اولین بار رابطه دوشاخه فوق را با استفاده از روش پانل دیتا و شاخص‌های آزادسازی اقتصادی بنیاد هریتیج و شاخص کارایی دولت بانک جهانی مورد بررسی قرار داده است. بر این اساس، مهمترین نتایج پژوهش حاضر را می‌توان به صورت زیر بیان نمود:

نتایج حاصل از بررسی ارتباط بین اجزای شاخص آزادسازی اقتصادی و کارایی دولت بیانگر وجود رابطه منفی بین شاخص آزادی مالیاتی و کارایی دولت می‌باشد. به بیان دیگر با توجه به تعریف آزادی مالیاتی بنیاد هریتیج هر چه سطح مالیات بالاتر باشد شاخص آزادی مالیاتی پایین تر است بنابراین با توجه به رابطه منفی بین شاخص آزادی مالیاتی و کارایی دولت می‌توان نتیجه گرفت که هرچه سطح مالیات در کشورهای عضو سازمان



کنفرانس اسلامی بالاتر باشد شاخص آزادی مالیاتی پایین تر و در نتیجه کارایی دولت افزایش می‌یابد. نتایج تحقیق حاضر گویای این امر است که شاخص‌های اندازه دولت، آزادی کسب و کار، آزادی پولی شاخص‌هایی هستند که دارای رابطه مثبت و معنی دار با شاخص کارایی دولت هستند و سایر شاخص‌های دهگانه آزادسازی اقتصادی رابطه منفی با کارایی دولت دارند.

با توجه به اهمیت بحث آزادسازی اقتصادی و نقش سیاست‌های مالیاتی در توسعه و رشد اقتصادی کشورها و همچنین تأثیر آن بر روی کارایی دولت‌ها، پیشنهاد می‌شود که کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی با برنامه ریزی و اقدامات موثر و هماهنگ در جهت تقویت سایر شاخص‌ها، گام‌های بهتری در جهت داشتن دولتی کارا تر بردارند. از طرف دیگر پایین بودن میانگین شاخص آزادسازی اقتصادی در ایران، بیانگر این موضوع است که ایران از نظر شاخص آزادسازی اقتصادی [طبق تقسیم‌بندی بنیاد هریتیج]، از جمله کشورهای است که دخالت دولت در اقتصاد زیاد است؛ نظر به اهمیت بحث خصوصی سازی و اصل ۴۴ در کشورمان و این موضوع که اصل ۴۴ و خصوصی سازی به معنای کنار گذاشتن دولت نیست، پیشنهاد می‌شود دولت با نقش معمار جدید وارد کار بشود و با برنامه ریزی مناسب در زمینه کاهش مداخله دولت در اقتصاد و نظام‌های مالی و برداشتن موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، ... زمینه ایجاد دولت کارا تر را فراهم نماید.

منابع

الف. فارسی

- آذرمند، حمید (۱۳۸۳)، "بررسی رابطه بین آزادسازی اقتصادی و شاخص‌های عمده در اقتصاد کلان" پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر احمد جعفری صمیمی، دانشگاه علوم و فنون مازندران
- اکبریان مهر، زهرا (۱۳۸۶)، "بررسی رابطه بین ثبات سیاسی و کارایی دولت با رشد اقتصادی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا"، پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر احمد جعفری صمیمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه
- پژویان، جمشید (۱۳۷۱)، "کارایی دولت و خصوصی سازی"، فصلنامه مطالعات مدیریت،

سال دوم، شماره ۸، صفحه ۲۴-۲۸

حسینی، سید محسن (۱۳۸۵)، "فساد و آزادسازی اقتصادی در منطقه خاورمیانه و شمال

آفریقا"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران

جعفری صمیمی، کرم سینا، احمد، کرم. (۱۳۸۴) جهانی شدن، شاخص‌ها و جایگاه اقتصاد

ایران، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

دادگر، یداله. (۱۳۸۱). تحلیلی از مقایسه‌ای از دولت در مکاتب اقتصادی سیاست. تهران:

دانشگاه مفید.

گجراتی، دامور. (۱۳۸۷). مبانی اقتصادسنجی. ترجمه حمید ابریشمی، تهران: انتشارات

دانشگاه تهران.

گلشن، ابراهیم (۱۳۸۵)، "حاکمیت، دولت و اندازه حکومت"، ویژه نامه تحول اداری،

سازمان مدیریت و برنامه ریزی، سال دهم، شماره ۵۲

ب. انگلیسی

Barrow, R. J. Rule of Law, Democracy, and Economic Performance. Chapter 2, in Gerald P. O' Driscoll, Jr., Kim R. Holmes, and Melanie Kirkpatrick, 2000 Index of Economic Freedom, Washington, D.C, Inc. (2000): p. 36.

Berggren, N. (2003), "The Benefit Of Economic Freedom ; A Survey", Independent Review, Vol. 8, No.2, Fall.

Berggren, N. "Economic Freedom and Equality: Friend or Foes?", Public Choice, Vol. 100, Issue 3, (September 1999).

Depken, C. A. & Sonora, R. J. (2002), "The Asymmetric Effects of Economic freedom International Trade flows", working paper, Texas: Department of economics University of Texas.

Grubel, H. G. (1998), "Economic freedom and human welfare", Simon Fraser University, Cato journal (pp. 287-304).

Gwartney, J. & Lawson, A. L. (2004), "Economic Freedom Of The World : 2004 Annual Report", Vancouver, BC : Fraser Institute.

<http://www.HeritageFoundation/EconomicFreedomIndex>

<http://www.worldbank.org/TheGovernmentIndicator>

Kaufmann, D., Aart, K., & Massimo, M., "Governance Matters VII : Aggregate and Individual Governance Indicators 1996-2007," Washington, D.C, World Bank Development Research Group Macroeconomics and Growth Team & World Bank Institute Global



Governance Program (2008).

Kaufmann, D. , Aart, K., & Massimo, M. "The Worldwide Governance Indicators Project: Answering the Critics," Washington, D. C, and World Bank Policy Research Working Paper No. 4149 (2007a): pp.43-56

Linder, P. H," Welfare states, markets and efficiency: The free Lunch Puzzle Continues", University Of California – Davis Appalachian State University, Department of History (2008).

Park, D. "The Roles of Government in increase of Borderless of the world", Nan yang Technological University, Mass-ESE Essay Competition, (2005).

Stocker, M. L." Equity Returns and Economic freedom", Cato institute, Cato journal 25(2005) :583-594.

William, W. B. & Kane, and T. Methodology: Measuring the 10 Economic Freedoms. The index of economic freedom 2008, chapter 4, Washington, and D.C: The Heritage Foundation and Dow Jones & Company, Inc., (2008): pp .39-55